

فصلنامه علمی تاریخ اسلام و ایران دانشگاه الزهراء (س)  
سال سی و سه، دوره جدید، شماره ۵۷، پیاپی ۱۴۷، بهار ۱۴۰۲  
مقاله علمی - پژوهشی  
صفحات ۹۱-۱۱۲

## کارکرد حمام و استحمام در بازتاب تمایزات اجتماعی جامعه ایران در

### عصر قاجار<sup>۱</sup>

غفار پوربختیار<sup>۲</sup>

تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۱۰/۲۹

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۱/۳۱

#### چکیده

ایرانیان از دیرباز به امر حمام و استحمام کردن توجه ویژه‌ای داشته‌اند. اگرچه آنان در دوره قاجار نیز همچون ادوار قبل توجه زیادی به استحمام و رعایت بهداشت و پاکیزگی داشته‌اند، این پژوهش در پی آن است تا تمایزات اجتماعی را که در میان طبقات فرادست و فرودست جامعه ایران عصر قاجار نسبت به احداث حمام و استحمام وجود داشته است، نشان دهد. در این پژوهش با استفاده از منابع تاریخی و به روش توصیفی-تحلیلی کوشش شد تا با کاربست نظریه تمایز اجتماعی بوردیو به این سؤالات پاسخ داده شود: نگاه طبقات فرادست جامعه ایران عصر قاجار به ساخت حمام و امر استحمام چگونه بوده است؛ آیا آنان از پرداختن به امر حمام و استحمام، به جز حفظ بهداشت و سلامت و پاکیزگی بدن اهداف دیگری نیز داشته‌اند؛ نگاه طبقات فرودست جامعه به حمام و استحمام چگونه بوده است؟ فرض پژوهش بر این مبنا قرار دارد که اگرچه هدف اقشار پایین جامعه از رفتن به حمام و انجام عمل استحمام، مبتنی بر ضرورت‌مندی‌هایی همچون پاکیزه‌نمودن بدن برای انجام طهارت و حفظ نظافت، بهداشت و سلامتی بوده است، هدف طبقات اعیان و اشراف از احداث حمام و امر استحمام، علاوه بر رفع ضرورت‌هایی چون حفظ پاکیزگی، بهداشت و سلامتی جسم، این بود که از طریق به کار بردن تزیینات و آرایه‌ها در ساخت حمام یا به واسطه تفریح، زیباسازی و خودآرایی به هنگام استحمام، وجوه تشخیص‌آمیز و تمایزطلبانه خود را نیز به دیگر اقشار و طبقات منعکس کنند.

**کلیدواژه‌ها:** حمام، استحمام، تمایز، خودآرایی، پاکیزگی، قاجار.

۱. شناسه دیجیتال (DOI): 10.22051/hii.2023.42558.2742

۲. شناسه دیجیتال (DOR): 20.1001.1.2008885.1402.33.57.4.3

۲. استادیار گروه تاریخ، واحد شوشتر، دانشگاه آزاد اسلامی، شوشتر، ایران.

gh.porbakhtiar@iau-shoushtar.ac.ir

#### مقدمه

حمام و استحمام از گذشته‌ای دور مورد توجه و اهمیت عموم ایرانیان بوده است. آنان برای حفظ بهداشت، سلامتی و پاکیزگی خود و جامعه، به احداث حمام و انجام عمل استحمام می‌پرداختند و آن را ضرورتی اجتناب‌ناپذیر و نیازی دائمی به شمار می‌آوردند. علاوه بر امر ضرورت و رفع نیاز، ایرانیان نگاه دیگری نیز به امر احداث حمام و عمل استحمام داشتند که همانا توجه به مقوله خودآرایی و زیباسندی بود که به‌ویژه در میان اشراف و اعیان ایرانی وجود داشت و باعث می‌شد تا آنان به این مسئله به چشم امری تشخص‌آمیز نگاه کرده و از طریق آن تمایز اجتماعی خود را نسبت به دیگر اقشار و طبقات بازتاب دهند.

در این پژوهش با بهره‌گیری از منابع و متون تاریخی و به روش توصیفی-تحلیلی کوشش می‌شود تا با کاربست نظریه تمایز اجتماعی بوردیو به این مسئله پرداخته و به سؤالات ذیل پاسخ داده شود: نگاه طبقات فرادست جامعه ایران عصر قاجار به حمام و استحمام چگونه بوده است؟ آیا آنان از توجه به امر حمام و استحمام، به جز بهداشت و سلامت و پاکیزگی بدن، اهداف دیگری نیز داشته‌اند؟ نگاه طبقات فرودست جامعه به حمام و استحمام چگونه بوده است؟ فرض پژوهش بر این مبنا قرار دارد که اگرچه هدف اقشار فرودست از رفتن به حمام و انجام عمل استحمام، فقط پاکیزگی بدن برای انجام طهارت و حفظ نظافت، بهداشت و سلامتی بوده است، هدف طبقات اعیان و اشراف از احداث حمام و امر استحمام، علاوه بر حفظ پاکیزگی، بهداشت و سلامتی جسم، این بود که از طریق به‌کاربردن تزیینات و آرایه‌ها در ساخت حمام یا به‌واسطه تفریح، زیباسازی بدن و خودآرایی به هنگام استحمام، تشخص و تمایز خود را نیز به دیگر افراد و طبقات منعکس کنند.

#### پیشینه پژوهش

در خصوص کلیت موضوع این مقاله یعنی حمام و استحمام تاکنون پژوهش‌های چندی انجام گرفته است. ملایی توانی و غلام‌پور، در مقاله «حمام و استحمام در فرهنگ ایرانیان عصر قاجاریه (از آغاز تا مشروطه)» (۱۳۹۳)، شعبانی و جبار، در مقاله «حمام و کارکردهای اجتماعی آن در سده‌های میانه تاریخ ایران» (۱۳۹۳)، صادقی و دیگران، در مقاله «تحلیل ارائه و کاربرد حمام‌های دوره قاجار (مطالعه موردی سنندج: حمام خان و حمام عمارت ملا لطف‌الله شیخ‌الاسلام)» (۱۳۹۸)، فلور در کتاب *سلامت مردم در ایران قاجار* (۱۳۸۶)، برجسته و دیگران، در کتاب *سلامت، بهداشت و زیبایی در عصر قاجار* (۱۳۹۳)، روح‌الامینی در کتاب *حمام عمومی در جامعه و فرهنگ و ادب دیروز* (۱۳۸۶)، محجوب و نژاد ابراهیمی، در مقاله

«تبیین عملکرد در حمام‌های خصوصی دوره قاجار با مطالعه حمام خانه تاریخی صدقیانی» (۱۳۹۹)، به موضوع حمام از منظر ویژگی‌های ریخت‌شناسی سازه و معماری یا به موضوع استحمام از نظر گونه‌شناسی فرهنگی، اجتماعی، سیاسی یا به امر درمان توجه کرده‌اند، اما هیچ‌کدام از این پژوهش‌ها، موضوع حمام و استحمام را از نقطه‌نظر تفاوت‌ها و تمایزات اجتماعی میان طبقات فرادست و فرودست جامعه ایران در عصر قاجار بررسی نکرده‌اند که همین امر تفاوت این پژوهش با پژوهش‌های مذکور را نشان می‌دهد.

### چارچوب نظری

پیر بوردیو<sup>۱</sup> جامعه‌شناس برجسته فرانسوی صاحب نظریه مشهور به «تمایز اجتماعی»<sup>۲</sup> است که در یکی از آثارش با عنوان «تمایز، نقد اجتماعی قضاوت‌های ذوقی» این نظریه را تشریح کرده است. او در روند مفهوم‌سازی خود از مفاهیمی همچون «عادت‌واره»، «میدان»، «سلیقه» و «عمل» بهره می‌برد که در این پژوهش بیشتر مفهوم سلیقه استفاده شده است. به باور بوردیو هر فرد بر اساس موقعیت اجتماعی خود اعمال سلیقه می‌کند و هر طبقه نیز سعی می‌کند با شکل دادن به سلیقه‌اش خود را از سایر طبقات متمایز کند. از نظر او افراد و طبقات اجتماعی از طریق سلائق و ذائقه‌های خود و به عبارتی از طریق عمل انتخاب، خود را از دیگران متمایز جلوه می‌دهند. این تمایز در بسیاری از حوزه‌ها و فعالیت‌های ریز و درشتی همچون ورزش و سرگرمی‌ها، عادات و رفتار، سلائق هنری، موسیقی، عکاسی، ادبیات و... وجود دارد و افراد و گروه‌ها معمولاً از طریق خیلی از وسایل و دارایی‌هایی خود همچون لباس، غذا، مبلمان، خانه، اتومبیل و...، تمایز خود را نسبت به دیگران نشان می‌دهند. بون‌ویتز<sup>۳</sup> از قول بوردیو می‌نویسد: «فرصت‌ها برای نشان دادن تمایز تمام‌ناشدنی هستند و حتی در جزئی‌ترین اعمال نظیر پوشاک، تزیینات داخلی خانه، گردشگری، اوقات فراغت، ورزش و آشپزی نیز می‌توان آن را به نمایش گذاشت» (بون‌ویتز، ۱۳۹۰: ۱۲۱).

اما آنچه در اندیشه بوردیو، اوج نظریه تمایز او را نشان می‌دهد، نوع سلیقه یا ذائقه یا به عبارتی تفاوت انتخاب اقشار و طبقات بالا و پایین جامعه است. بوردیو بر این نظر است که طبقات پایین جامعه چون نیازهای اساسی خود را برآورده نشده می‌بینند طبعاً به دنبال سلائق یا انتخاب‌هایی هستند که نیازها و احتیاجات آن‌ها را برآورده کند، اما طبقات بالا چون این‌گونه نیازهایشان برطرف شده است در پی به‌کارگیری سلیقه‌ای زیباپسندانه یا انتخابی هنردوستانه‌اند

---

1. Pierre Bourdieu  
2. Social distinction  
3. Bonnewitz

و بدین طریق تشخص و تمایز خود را نیز نشان می‌دهند. از این منظر، بوردیو سبک‌های زندگی در جامعه فرانسه را بر اساس سه طیف دسته‌بندی می‌کند: ابتدا سبک زندگی طبقات بالای جامعه با ویژگی «تشخص»، سپس سبک زندگی قشر متوسط با مشخصه «خوش‌نیتی فرهنگی» و سرانجام سبک زندگی طبقه پایین که مشخصه «رفع نیاز» را در خود دارد.

او می‌نویسد: «این قضیه بنیادی که ریختار، توفیقی اجباری یا فضیلتی برگرفته از ضرورت است، در میان طبقات کارگر روشن‌تر از هر جای دیگری به چشم می‌خورد، زیرا برای آن‌ها جبر و ضرورت دربردارنده همه معنایی است که معمولاً با این کلمه مستفاد می‌شود، یعنی محرومیت‌گریزناپذیر از کالاهای ضروری؛ بنابراین ضرورت، نوعی سلیقه ضروری‌پسند را تحمیل می‌کند که بیانگر شکلی از سازگاری با ضرورت و سپس پذیرش ضرورت است، یعنی تسلیم‌شدن در برابر امور محتوم و اجتناب‌ناپذیر» (بوردیو، ۱۳۹۰: ۵۱۳).

بر طبق این نظر، ویژگی اساسی عادت‌واره اقشار فرودست تا حد زیادی، درک ضرورت‌ها و تطابق با آن‌هاست؛ بنابراین همین امر، توجه به ضرورت‌های اساسی زندگی، فرودستان را به سمت ذائقه‌ها یا گزینه‌هایی کشانده و نسبت به اعمال و افعال زیباشناختی آن‌ها را بی‌توجه و بی‌تفاوت می‌نماید (بون‌ویتز، ۱۳۹۰: ۹۹). به قول بوردیو: «گردن‌نهادن به جبر و ضرورت که مردمان طبقه کارگر را به «ذائقه» عمل‌گرا و کارکردگرایانه‌ای متمایل می‌کند که بی‌غرضی فعالیت‌های صوری و همه اشکال هنر برای هنر را انکار می‌کنند، اصل بنیادی همه انتخاب‌های روزمره و فن و هنر زندگی است که مقاصد زیباشناختی را به‌منزله انحراف نفی و طرد می‌کنند» (بوردیو، ۱۳۹۰: ۵۲۰) اما افراد طبقات فرادست که نیازهای اساسی‌شان برآورده شده و در رفاه و آسایش غوطه‌ور هستند، برخلاف طبقه فرودست نگاهی نه ضرورت‌مندانه بلکه از منظری هنردوستانه و زیباپسندانه به امور دارند که تحت عنوان «التذاذ زیباشناختی» یا «التذاذ هنری» از آن یاد می‌شود.

بوردیو معتقد است که التذاذ زیباشناختی نه «ناب و خالص» و نه «بی‌طرفانه» است؛ بلکه این التذاذ هنری ذائقه و طبعی است که از رفاه و نعمت سرچشمه می‌گیرد. این ذائقه و طبع در واقع محصول ناسازه‌وار شرطی‌شدن توسط ضروریات سلبی اقتصادی- زندگی راحت- است که معمولاً فاصله‌گیری فعال از ضرورت را القا می‌کند (جنکینز، ۱۳۸۰: ۱۹۵).

### فرادستان و تشخص‌گرایی در حمام و استحمام

اعیان و اشراف در عصر قاجار توجه زیادی به تجمل‌گرایی، تفاخرطلبی و تشخص‌گرایی داشته و کوشش می‌کردند تا تمایز اجتماعی خود با دیگران را از همین طریق منعکس کنند

(پوربختیار، ۱۴۰۱: ۱۲۲). اغلب سیاحان خارجی که در این دوره به ایران سفر کرده و با ایرانیان دیدار کرده‌اند، از اخلاق تجمل‌گرایی، تفاخرطلبی و علاقه به رعایت شأن و حفظ تشریفات در اغلب زمینه‌ها از سوی آنان سخن می‌گویند (گوبینو، ۱۳۸۳: ۱۰۳؛ فوروکاوا، ۱۳۸۴: ۲۶۶؛ ویشارد، ۱۳۶۳: ۱۸۵؛ کارلاسرنا، ۱۳۶۳: ۴۰). یکی از فرصت‌های مغتنم برای جلوه‌گری و نمایان‌سازی وجوه و ابعادی از تمایز و تشخیص افراد و اقشار فرادست و اعیانی، امر احداث و ساخت حمام یا مسئله استحمام یا حمام کردن بوده است. در اینجا لازم است که اقشار اجتماعی فرادست و بالای جامعه که نسبت به انعکاس تشخیص‌گرایی و تفاخرطلبی خود در امر حمام و استحمام حساسیت و علاقه وافری داشتند مشخص و معین شوند.

#### احداث حمام: رویکردی ضرورت‌مندانه یا تشخیص‌گرایانه

در دوره قاجار وجود مکانی به نام حمام یا گرمابه از جهات مختلفی برای ایرانیان مهم بوده است، زیرا نظافت و پاکیزگی نه تنها در دین اسلام سفارش شده بود، بلکه ایرانیان از دیرباز اهمیت زیادی برای بهداشت، سلامتی و پاکیزگی خود قائل بوده‌اند. عمل غسل و انجام طهارت نیز عملی بود که در دین اسلام بسیار تأکید و سفارش شده است و قبل از برگزاری نمازهای روزانه، ضرورت تام و تمام دارد. به همین دلیل در فرهنگ و جامعه ایران پس از اسلام نیز تأکید بسیاری بر امر ساختن حمام یا گرمابه شده بود و این ضرورت تا دوره قاجار همچنان رو به تزاید بود.

به‌طور کلی در روزگار قاجار حمام‌ها از نظر کاربری به دو نوع عمومی و خصوصی تقسیم می‌شدند. حمام‌های عمومی شاخص آبادانی، عمران و در یک کلام نماد حسن شهرت هر شهر بوده و در آن روزگار وقتی افراد می‌خواستند از توسعه و آبادانی شهری سخن بگویند، تعدد، پاکیزگی و کیفیت حمام‌های عمومی از جمله مهم‌ترین ملاک‌ها و معیارهای این امر به شمار می‌رفت (پولاک، ۱۳۶۸: ۲۴۷-۲۴۸). حمام‌ها از جمله مهم‌ترین تأسیسات مدنی برای خدمات‌رسانی در شهرهای اسلامی نیز محسوب می‌شدند (مهجور، ۱۳۸۲: ۶۳). این‌گونه حمام‌ها را از این جهت عمومی می‌گفتند که عموم مردم اجازه ورود به فضای آن‌ها را داشته و با پرداخت وجه اندکی می‌توانستند از استحمام در آنجا بهره ببرند، درحالی‌که حمام‌های خصوصی در داخل خانه‌های افراد اعیانی و ثروتمند ساخته شده و استفاده انحصاری و شخصی داشتند.

احداث یا ساخت حمام خواه عمومی و خواه خصوصی در دوره قاجار، شرایط و مقتضیات خاص خود را می‌طلبید، اما می‌توان گفت که اصولاً بانیان و سازندگان حمام‌ها بیشتر

از هر امر دیگری دو رویکرد تحت عنوان رویکرد ضرورت‌گرایانه و رویکرد تشخیص‌گرایانه را مدنظر خود داشتند. ایرانیان در طول تاریخ برای خیلی از ضرورت‌ها همچون طهارت، نظافت و پاکیزگی، حفظ بهداشت و سلامت جسم و روح اهمیت زیادی قائل می‌شدند. بدین سبب معمولاً اشراف، اعیان و شخصیت‌ها برای حفظ همین ضرورت‌ها و برای رفع نیاز مسلمانان، انجام کار خیر و به‌دست آوردن ثواب آن، حمام‌های عمومی را می‌ساختند.

در ساخت حمام‌های عمومی انگیزه‌های مادی و کسب درآمد یا منافع شخصی برای رجال و مقامات نقش چندانی نداشت، زیرا که این حمام‌ها معمولاً درآمد چندانی نداشتند و بنابراین ضرورت یا نیاز دینی و اجتماعی خیلی بیشتر از اهداف مالی و اقتصادی در نظر بانیان و سازندگان حمام‌ها اهمیت داشت. مستوفی می‌نویسد: «در این وقت مردم در ساختن حمام نظری به عایدی آن نداشتند... ساختن حمام یک نوع کار خیر بود، مسلمان‌ها حاجت به تطهیر پیدا می‌کنند باید به نماز صبح برسند و راه حمام دور است، فلان دارنده محل یا فلان اهل خیر خارج از محل، برای رفاه مسلمان‌ها حمام می‌ساخت» (مستوفی، ۱۳۸۴: ۱/۱۶۹)، بنابراین خیلی از اشراف و ثروتمندان در ساخت و حفظ و نگهداری حمام‌های عمومی، رویکردهای ضرورت‌پسندانه را مدنظر قرار می‌دادند. پولاک<sup>۱</sup> نیز می‌نویسد: «حمام برای فردی شرقی نیازی است غیرقابل اجتناب، بدون حمام تصور آسایش را نمی‌تواند بکند، پس در نتیجه برای ساختن و نگاهداری آن کمال مراقبت را مبذول می‌دارد» (پولاک، ۱۳۶۸: ۲۴۴).

در رویکرد ضرورت‌پسندی، شاخص‌ها و معیارهای زیادی مدنظر بانیان و سازندگان حمام‌های عمومی بوده است. قبل از هر چیزی نقش مسئله رفع نیاز یا حاجت در توزیع و پراکندگی جغرافیایی حمام‌ها، اهمیت بسیاری داشت. این امر که حمام باید در نزدیک‌ترین مکان و موقعیت جغرافیایی مردم بوده تا آن‌ها هر لحظه که بخواهند به آسانی به آن دسترسی داشته و نیاز خود را برطرف کنند، برای آن‌ها بسیار مهم بود. برای سهولت دسترسی مردم همه محلات به حمام عمومی، کوشش می‌شد تا این حمام‌ها در میان همه محلات شهرها به تناسب وجود داشته باشد نه اینکه در محله‌ای چند حمام ساخته شود، اما در محله دیگری هیچ حمام وجود نداشته باشد؛ بنابراین چنانچه محله‌ای از کمبود حمام رنج می‌برد، افراد و رجال ثروتمند و خیر پی به ضرورت امر برده و بر آن می‌شدند تا در آن مکان حمامی بسازند.

علاوه بر اصل نیاز و ضرورت‌مندی کلی در احداث حمام‌ها، نوعی ضرورت‌نگری در همه شاخصه‌های معماری، اصول مهندسی و حتی جزئیات طراحی و ساخت حمام‌ها نیز وجود

داشته است. یکی از این شاخصه‌ها، وسعت فضای داخلی حمام است که برای بانیان آن حائز اهمیت بسیار بوده است. باتوجه به اینکه افراد زیاد و متعددی آن هم به‌طور هم‌زمان وارد فضای داخلی حمام شده و از آن استفاده می‌کردند، بنابراین سازندگان آن توجه و حساسیت زیادی نسبت به وسعت، بزرگی و جادار بودن فضای داخلی حمام‌ها داشته‌اند. از این منظر قسمت‌های مختلف حمام همچون راهروهای ورودی و به‌ویژه سربینه یا رخت‌کن و خزینه حتماً باید بزرگ و جادار بوده و گنجایش تعداد زیادی از افراد را داشته باشد تا آنان به‌طور هم‌زمان به استحمام یا سایر امور مربوط به آن بپردازند.

البته آنچه فراتر از اصل ضرورت‌پسندی در حمام‌های عصر قاجار وجود داشته و برای بانیان و سازندگان آن‌ها مهم بوده است، مسئله توجه به تزیینات، زینت‌آرایی‌ها و نقش و نگارهایی بوده است که در این گونه حمام‌ها به کار برده می‌شد و این بانیان از طریق همین آرایه‌ها، زیبادوستی، هویت اجتماعی و منزلت طبقاتی خود را به تمامی کسانی که به حمام وارد شده و به استحمام می‌پرداختند، نشان می‌دادند. این رویکرد را می‌توان رویکرد تشخیص‌بخش نام نهاد، زیرا بانیان در پی آن بودند تا با ایجاد تزیینات و تجملات در حمام‌ها، تشخیص و تفاخر طبقاتی خود را نمایان کنند. اصولاً حمام‌ها در طول تاریخ میانه ایران، خود به‌عنوان معیاری برای تشخیص اجتماعی عمل می‌کرده‌اند (شعبانی و جبار، ۱۳۹۳: ۹۸)؛ بنابراین بانیان حمام‌ها، ساخت حمام‌های ساده و بدون تزیینات و نقش و نگار را دون شأن و منزلت خود دانسته و کوشش می‌کردند تا حمام‌های هرچه بیشتر با شکوه، مجلل و باعظمت بسازند.

باتوجه به اینکه معمولاً نام هر بانی بر سر در حمام ساخته‌شده، نصب می‌شد و در آن روزگار حمام‌ها به نام بانیانشان شناخته شده و شهرت می‌یافتند و ما در سراسر ایران حمام‌های عمومی تحت عنوان حمام شاه، حمام وزیر، حمام خان، حمام وکیل، حمام کلانتر، حمام گنجعلی‌خان، حمام ملالطف‌الله و... مشاهده می‌کنیم، رجال و بزرگان هرچه بیشتر در پی ساختن حمام‌های نه‌ساده، کوچک یا بدون تزیینات بلکه باشکوه، بزرگ و تزیین‌کاری شده بودند تا تشخیص و شأن و منزلت خود را نشان دهند. این تزیینات هنری به طرق و روش‌های مختلف در سنگ‌بری‌ها، کاشی‌کاری‌ها، گچ‌بری‌ها، آهک‌بری‌ها، مقرنس‌کاری‌ها و طرح‌ها و نقاشی‌های حمام‌های آن دوره به کار رفته و خود را نمایان ساخته است.

کاشی‌کاری در عهد قاجار برخلاف دوره‌های قبل تنها به بنای مساجد، مزارها و خانقاه‌ها محدود نماند، بلکه در کاخ‌ها و عمارت‌های رجال و بزرگان و دروازه‌های تزیینی ورودی شهرها و به‌ویژه در حمام‌ها نیز به کار گرفته شد. کاشی‌سازان این دوره با الهام‌گرفتن از

طبیعت، کاشی‌هایی با طرح‌های گل و برگ و طرح‌های گلدانی و با استفاده از رنگ‌های مختلف و متنوع آثار متنوعی خلق کردند. در حمام‌های عصر قاجار هنر کاشی‌کاری با استفاده از کاشی‌های رنگارنگ و با نقش و نگار متنوع در قالب کاشی‌های مشهور به هفت‌رنگ دیده می‌شود. به‌عنوان مثال در حمام‌های خان و ملا لطف‌الله شیخ‌الاسلام در سندج کاشی‌هایی از نوع فیروزه‌ای در دیوارها، پایه‌ها و کف سربینه آن‌ها دیده می‌شود که با طرح‌های متنوع صحنه‌های شکار و نبرد شیر و اژدها اجرا شده است (صادقی و دیگران، ۱۳۹۸: ۱۷۸).

علاوه بر کاشیگری‌ها، طرح‌ها و نقاشی‌های حمام‌ها نیز کارکرد تشخیص‌بخشی داشته است. بانیان و سازندگان حمام‌های عمومی و حتی خصوصی در نقش و نگارها و تزیینات حمام‌های خود نه تنها زیباسازی و تشخیص را به‌طور کلی مدنظر خود داشته‌اند، بلکه در پی آن بوده‌اند تا از طریق همین طرح‌ها و نقاشی‌ها، مقام، موقعیت و جایگاه شخصی خود را نیز منعکس کنند. مثلاً طرح و نقاشی عقاب که شمشیر در پنجه دارد در حمام ملا لطف‌الله شیخ‌الاسلام نشان‌دهنده اقتدار و اجرای عدالت است که ارتباط مستقیمی با مقام و جایگاه بانی آن داشته است که منصب قضاوت نیز داشته است یا نقش شیر و خورشید در همین حمام، نشان از قدرت و دلیری و نقش شمشیر در پنجه‌های شیر، نمادی حاکی از اقتدار دادگراانه بانی و سازنده همین بناست (همان: ۱۸۵-۱۸۷).

احداث حمام‌های خصوصی نیز همچون حمام‌های عمومی هم رویکردهای ضرورت‌پسندانه و هم تشخیص‌گرایانه را در خود نهفته داشت. علی‌رغم وجود تعداد زیادی از حمام‌های عمومی، عده‌ای از رجال و مقامات و اشراف و اعیان، به دلایل و اهداف مختلف، تمایل کمتری به حضور و استحمام در این‌گونه حمام‌ها داشتند. شلوغ‌بودن و ازدحام جمعیت، فقدان اصل ضرورت‌مندانه رعایت بهداشت و نظافت مناسب در آن‌ها و از همه مهم‌تر توجه به اصل تشخیص‌گرایانه شأن حضور و حفظ و رعایت فاصله خود با توده مردم و طبقات فرودست، عواملی بودند که موجب شدند تا تعدادی از اشراف و بزرگان از رفتن خود و خانواده‌هایشان به این حمام‌ها اکراه و اجتناب بورزند.

اغلب منابع از شلوغی و ازدحام، کثیف بودن و رعایت‌نشدن نظافت و پاکیزگی در حمام‌های عمومی سخن گفته‌اند (آلمانی، ۱۳۷۸: ۲/۱۶۹؛ بزرگ‌امید، ۱۳۶۳: ۱۵۹؛ فوربز لیث، ۱۳۶۶: ۷۴؛ روششوار، ۱۳۷۸: ۲۰۷). بدین دلیل اشراف و بزرگان برای حل این مشکل و توجه به ضرورت‌ها، حمام ویژه‌ای در داخل خانه‌های خود تحت عنوان حمام خصوصی احداث کردند که در آن روزگار به آن حمام سرخانه یا حمام خلوت یا حمام اندرونی نیز می‌گفتند. تا حدود نیم قرن پیش به‌غیر از اشراف و ثروتمندان سایر اقشار و طبقات در خانه‌های خود حمام



شخصی یا خصوصی نداشتند (هولستر، ۱۳۵۵: ۹). حمام‌های اندرونی به اقتضای نیاز تنها یک خانواده چند نفره نسبت به حمام‌های عمومی کوچک‌تر بودند، اما از پاکیزگی، زیبایی و تزیین و تجمل بیشتری برخوردار بودند. بنجامین<sup>۱</sup> می‌نویسد: «طبقات ثروتمند حمام‌های خصوصی در منزل خود دارند که خیلی لوکس و جالب هستند» (بنجامین، ۱۳۶۳: ۷۳). درویل<sup>۲</sup> نیز می‌نویسد که: «نجبا و دولت‌مندان هر یک به فراخور حال خود، حمام مجللی در حرم‌سرای (اندرون) خود دارند» (درویل، ۱۳۸۷: ۶۵).

در خصوص احداث حمام‌های خصوصی، هم رویکرد ضرورت‌پسندی و هم امر تشخیص‌گرایی مدنظر مالکان و سازندگان آن‌ها بوده است، یعنی اشراف و اعیان که نمی‌خواستند با رفتن به حمام‌های عمومی، با افراد و اقشار فرودست آمیزش و مرادۀ چندانی پیدا کنند و از سوی دیگر امر مهم بهداشت و سلامتی از یک سو و غسل و طهارت دینی از سوی دیگر برای آنان و خانواده‌هایشان ضرورت تام و تمام داشت، به ناگزیر و نگران از خطر سرایت بیماری، به احداث حمام خصوصی در درون منازل خود و استفاده از آن روی آوردند. وجود این‌گونه حمام‌ها هم حاکی از توجه و اهمیت دادن اشراف به نظافت و پاکیزگی و هم نشان‌دهندۀ تمکن مالی صاحب‌خانه بود (محبوب و نژاد ابراهیمی، ۱۳۹۹: ۱۸).

رعایت بهداشت، نظافت و پاکیزگی در حمام‌های خصوصی در مقایسه با حمام‌های عمومی بیشتر وجود داشت و البته از سوی دیگر، هم مالکان این‌گونه حمام‌ها و اهل‌بیتشان و هم گاهی همسایگان‌شان به علت نزدیکی مسافت می‌توانستند با استفاده از حمام‌های شخصی خیلی زود طهارت کرده و نمازهای یومیه خود و از جمله نماز صبح را در وقت مناسب به‌جا آورند، بنابراین درب حمام‌های خصوصی گاهی چه با پرداخت پول و چه بدون آن بر روی سایر مردم نیز گشوده می‌شد (ملایی‌توانی و غلام‌پور، ۱۳۹۳: ۱۲۴).

بانیان و مالکان حمام‌های خصوصی که اغلب از طبقه اشراف و بزرگان بودند، علاوه بر حفظ و رعایت ضرورت‌ها، توجه زیادی به این امر داشتند تا در ساخت این‌گونه حمام‌ها، رویکرد تشخیص‌گرایانه را نیز مدنظر قرار دهند؛ بنابراین آن‌ها تلاش می‌کردند با توجه به تمکن مالی و اقتصادی زیادی که داشتند، زیباترین، باشکوه‌ترین و مجلل‌ترین حمام‌ها را بنیان بگذارند. نوع جنس و کیفیت برتر مصالح ساختمانی در اولویت اول قرار داشت. جنس سازه این حمام‌ها از بهترین و با کیفیت‌ترین آجرهای آن روزگار بود. سنگ‌ها و کاشی‌ها نیز بادقت، حساسیت و وسواس کامل خریداری شده و به کار می‌رفت. درون حمام‌ها را نیز با سنگ‌های

---

1. Benjamin  
2. Drouville

گران قیمت مرمر و کاشی‌های زیبا و خوش‌رنگی تزئین می‌کردند (فلاندن، ۱۳۵۶: ۴۴۰؛ دروویل، ۱۳۸۷: ۶۶؛ بن‌تان، ۱۳۵۴: ۷۳).

مادام کارلاسرنا<sup>۱</sup> در همین خصوص می‌نویسد: «حمام شاهزاده خانم واقع در «اندرون» در حد اعلائی ظرافت ساخته شده بود... دیوارها از آجرهای رنگارنگی پوشیده بود که رنگ آبی در آن‌ها غلبه داشت. کف و دیوار حوض‌ها را با مرمر یزد پوشیده بودند که در درخشندگی سنگ رُخام را به خاطر می‌آورد. اطراف سنگ‌فرش‌های مربع‌شکل را با کاشی‌هایی منقش به نقش‌های بدیع پوشانیده بودند.» (کارلاسرنا، ۱۳۶۳: ۱۷۰) مالکان حمام‌های خصوصی گاهی با اجازه‌دادن یا دعوت از همسایگان، دوستان و سایر افراد و اقشار برای استحمام در حمام‌هایشان در حقیقت علاوه بر رفع نیاز آن‌ها، از طریق همین حمام‌های باشکوه، مزین و مجلل، تشخیص خود را نیز به آنان نشان می‌دادند.

#### استحمام: اصل رفع نیاز یا انعکاس تشخیص و زیبادوستی

علاوه بر اینکه احداث حمام‌های عمومی و خصوصی رویکردهای دوگانه ضرورت‌مندی و تشخیص‌گرایی را در خود نهفته داشت، عمل استحمام نیز بر شالوده‌چنین وجوه دوگانه‌ای استوار بود. ابتدا باید به کارکردهای ضرورت‌گرایانه استحمام اشاره کرد. اولویت رفع نیاز، از عناصر اصلی و اساسی استحمام بود و از جانب همه اقشار و طبقات چه بالا و چه پایین از توجه و اهمیت خاصی برخوردار بود. هدف همه ایرانیان چه اعیان و اشراف و چه مردمان فقیر و فرودست از رفتن به حمام و انجام استحمام، رفع نیازهای خود و در حقیقت توجه به ضرورت‌های شخصی و اجتماعی بود. آنان توجه زیادی به این امر مبذول داشته و برای رسیدن به سلامت جسم و روح و رسیدن به سرزندگی و نشاط به طور مرتب استحمام می‌کردند. اصولاً عمل استحمام ضرورتی انکارناپذیر بود که تمامی انسان‌ها در همه زمان‌ها و همه مکان‌ها به آن نیاز دارند و باید آن را انجام دهند. رفع کسالت یا زدودن خستگی سفر یا کار طولانی، حفظ بهداشت و درمان و بهبود سلامت جسم و روح، رعایت نظافت و پاکیزگی، و به‌ویژه انجام عمل شریعت‌آمیز غسل یا طهارت از مهم‌ترین اهداف استحمام آنان بود.

ایرانیان فارغ از هر طبقه و قشری که بودند به هنگام کسالت یا خستگی از سفر طولانی یا کار پُرحمت و طاقت‌فرسا، ضرورت رفتن به حمام و انجام استحمام را به‌شدت احساس می‌کردند (موریه، ۱۳۸۶: ۹۴؛ سیاح محلاتی، ۱۳۵۶: ۳۶؛ پولاک، ۱۳۶۸: ۲۴۷). انجام استحمامی هرچند کوتاه و مختصر، اغلب نه‌تنها تمام کسالت یا خستگی ناشی از مسافرت، کار، بیماری،

زایمان و غیره را از تن و جسم آنها زدوده و از بین می‌برد، بلکه بهداشت و سلامتی آنان را نیز تضمین می‌کرد. وجود مکانی که آب تمیز و گرم کافی و لازم را داشته باشد تا افراد تنی به آب بزنند و بدن خود را شست‌وشویی بدهند، در وهله اول ضرورت تام و تمام داشت.

در امر نظافت و پاکیزگی، عموم طبقات برای استحمام به آب گرم، صابون، لیف و کیسه، داروی نظافت که به آن جوهر زرنیخ یا نوره می‌گفتند و دیگر وسایل نیازمند بودند. کیسه‌کشی یا مشت‌ومال از مهم‌ترین اعمالی بودند که کارگران حمامی یا دلاکان به هنگام استحمام انجام می‌دادند (ساویچ لندور، ۱۳۸۸: ۳۰۵؛ فوروکاوا، ۱۳۸۴: ۲۶۹) و علاوه بر کمک به نظافت و پاکیزگی، خاصیت درمانی و پزشکی نیز داشتند. دلاک‌های پر زور و قوی پنجه با کیسه‌کشی نه تنها چرک یا سلول‌های مرده را از پوست افراد زدوده و جدا می‌کردند و با این کار باعث می‌شدند تا منافذ پوست بدن آنها باز شده و عمل تعریق و تنفس پوست به راحتی انجام گیرد، بلکه با مشت‌ومال آنها، دردهای مفصلی و روماتیسمی استحمام‌کنندگان نیز تخفیف یافته و بهبود پیدا می‌کرد (پولاک، ۱۳۶۸: ۲۴۷).

دروویل می‌نویسد: «معتقدم که این کار یکی از بهترین وسائل معالجاتی است. هیچ چیزی به اندازه مشت‌ومال خون را در بدن به گردش نینداخته و راحتی و تندرستی واقعی را تأمین نمی‌کند» (دروویل، ۱۳۸۷: ۶۷). عمل ضروری زدودن موهای زائد که با کمک داروی نظافت یا همان نوره انجام می‌گرفت، نیز کمک زیادی به پاکیزگی افراد می‌کرد.

به غیر از خاصیت نظافتی و پاکیزگی، استحمام ایرانیان و اعمال و آداب آن، دارای خواص و ضرورت‌های پزشکی و درمانی نیز بود. استحمام بهترین فرصتی بود که افراد فصد، حجامت و زالودرمانی انجام دهند. اگرچه این اعمال را دلاک‌ها در مغازه و خیابان هم انجام می‌دادند، اغلب مردم برای انجام آن به حمام می‌رفتند (فلور، ۱۳۸۶: ۱۹۶). این کار برای جلوگیری از غلظت خون و سگته بسیار مفید بود. علاوه بر آن استحمام‌کنندگان در حمام به توصیه پزشکان برای سلامتی خود و به ویژه برای درمان درد مفاصل، دردهای استخوانی و روماتیسمی از مالیدن روغن زیتون و روغن گنه‌گنه به بدن خود بهره می‌بردند (امین‌لشکر، ۱۳۷۸: ۲۵۵ و ۲۵۴).

از دیگر رویکردهای ضرورت‌مندانه استحمام که همه اقشار و طبقات اعم از فرادست، میانه و فرودست به آن توجه می‌کردند و اهمیت می‌دادند و تاکنون بیان شد، عمل شرعی غسل یا طهارت بود که در دین اسلام در موارد متعدد و مختلف عملی واجب بود. پولاک می‌نویسد: «حمام با زندگی دینی ایرانیان در ارتباط نزدیک است؛ زیرا هم بر اثر مقاربت، عادت ماهانه، زاییدن و اصولاً هر نوع بیماری و هم به سبب تماس با چیزهایی که ناپاک قلمداد شده است، مانند خون، چرک، مردار، سگ و غیره مطابق با قواعد دینی بدن نجس می‌شود و در تمام این

موارد نجاست را باید با رفتن به حمام برطرف ساخت.» (پولاک، ۱۳۶۸: ۲۴۴) همه ایرانیان تقید بسیار داشتند تا به هنگام نیاز شرعی به غسل و طهارت خود را به حمام رسانده و پس از انجام این عمل شرعی نماز خود را در وقت معین خود به جا آورند.

### تفریحات و سرگرمی‌های اشراف در حمام

توجه ایرانیان به عمل استحمام تنها مبتنی بر رویکردهای ضرورت‌پسندانه نبود. اشراف و اعیان ایران اگرچه برای رفع نیازهای شخصی ناگزیر از رفتن به حمام و انجام استحمام بودند، کوشش می‌کردند تا فارغ از توجه به این ضرورت‌ها، وجوه تشخص‌آمیز و ذوق و سلیقه هنردوستانه و زیباپسندانه خود را نیز باتوجه به نظر بوردیو به دیگران منعکس کنند. درست به همین دلیل و برای تفریح و التذاذ بیشتر و بدون هرگونه مزاحمت، آن‌ها هرازچندگاهی با دادن پول بیشتر، حمام‌های عمومی را برای خود و خانواده‌هایشان یا برای خود و دوستانشان برای چند ساعت یا یک روز به انحصار درآورده و به عبارتی تبدیل به حمام خصوصی می‌کردند. ویلز<sup>۱</sup> می‌نویسد: «بعضی از پول‌دارهای از خودراضی با پرداختن حدود چند قران پول اضافی حمام عمومی را به مدت چند ساعت مختص خود می‌کنند و به قول معروف آن را قرق می‌نمایند.» (ویلز، ۱۳۶۸: ۳۷۲)

یکی از اقداماتی که معمولاً اشراف و اعیان از شاه گرفته تا سایر آنان در حمام انجام می‌دادند، تفریح، سرگرمی و وقت‌گذرانی بود. به عبارتی هم مردان و هم زنان عصر قاجار حمام‌رفتن و استحمام را تنها عملی ضروری برای رعایت بهداشت و حفظ سلامت جسم به شمار نمی‌آوردند، بلکه آنان حمام را مکانی برای رفع کسالت روح نیز محسوب می‌داشتند. به‌ویژه زنان که اغلب حضور همیشگی‌شان در پشت درب و دیوار خانه‌های محصور خود، احساس ناخوشایند و زندگی کسالت‌باری برای آن‌ها به وجود آورده بود. بدین دلیل آنان با رفتن به حمام و دیدن دوستان و گپ‌وگفت با آنان تا اندازه‌ای از کسالت و ملالت روحی خود می‌کاستند. می‌توان گفت که یکی از اهداف مردان و زنان اشراف و اعیان از رفتن به حمام و انجام استحمام، پرداختن به التذاذ مفرحانه بوده است. التذاذ مفرحانه یا التذاذ هنری و زیباشناختی که از دید بوردیو تنها طبقات فرادست در پی آن بودند درحالی‌که طبقات فرودست به‌دنبال رفع نیازهای اساسی و اولیه خود بودند (بوردیو، ۱۳۹۰: ۵۲۵).

شاهان و شاهزادگان و مقامات قاجار و خانواده‌هایشان مدت زمان زیادی از وقت خود را در حمام‌ها می‌گذراندند و در مواقع استحمام از تفریحات و سرگرمی‌های زیادی برخوردار

بودند. البته این امر مختص و منحصر به خاندان سلطنت و درباریان نبود؛ بلکه اغلب اعیان و اشراف ایران در عصر قاجار از این گونه تفریحات در حمام‌های خصوصی خود یا در زمانی که حمام‌های عمومی را برای استفاده شخصی و خصوصی قرق می‌کردند، بهره‌مند می‌شدند. قلیان‌کشی زنان و مردان (پوریختیار، ۱۳۹۹: ۶۷)، نوشیدن شربت، چای و قهوه (بروگش، ۱۳۶۸: ۳۸۲) و خوردن ناهار یا عصرانه، میوه، آجیل و دیگر تنقلات چه در میانه استحمام و چه پس از آن، دل‌مشغولی و سرگرمی عمده اغلب مردان و زنان اشراف و اعیان در حمام بود و خدمتکاران یا کنیزان آن‌ها، وظیفه و مسئولیت آماده‌سازی این امور را برای پذیرایی از اربابان خود در سربینه (کفش‌کن) برعهده داشتند.

دورهمی و گفت‌وگوهای صمیمی و گاه محرمانه، شنیدن قصه‌ها و حکایت‌ها یا گوش‌سپردن به سازوآواز مطربان و آوازه‌خوانان، تماشای رقص و حرکات آکروباتیک و نمایشی رقاصه‌ها (رایس، ۱۳۸۳: ۱۴۹) و خیلی امور دلچسب و مفرح دیگر از مهم‌ترین سرگرمی‌ها و تفریحات مردان و به‌ویژه زنان اشراف و اعیان در حین استحمام بود که اغلب در سربینه یا رخت‌کن حمام شکل می‌گرفت.

کارلاسرنا که از حمام اندرونی یکی از شاهدخت‌های قاجاری از نزدیک دیدن کرده بود، درباره این تفریحات و سرگرمی‌ها می‌نویسد: «پس از اتمام نخستین مرحله [از استحمام]، خانم‌ها در همان حال که چمباتمه نشسته بودند، مدت چند ساعت پی‌درپی شربت و میوه خوردند و قلیان کشیدند. در این حالت یکی از خدمه شاهزاده خانم نقش داستان‌سرا را بازی می‌کرد و تحسین‌های مکرر و خنده‌های ناگهانی حاکی از آن بود که قصه‌های وی همه را سخت سرگرم کرده است... هنگام صرف غذا رقاصه‌ها سر رسیدند. مدتی دراز خواندند و رقصیدند و در این مدت تفریح‌کنندگان به‌وسیله مشاطگان آرایش می‌شدند.» (کارلاسرنا، ۱۳۶۳: ۱۷۱-۱۷۲)

### استحمام و خودآرایی یا زیباپسندی اشراف

یکی از کارهایی که اشراف و اعیان در حمام و هنگام استحمام انجام می‌دادند، خودآرایی و زینت‌افزایی، آرایش و پیرایش مو، ریش، چشم و ابرو، صورت، دست‌وپا و سایر قسمت‌های بدن بوده است. واقعیت این است که اعیان و اشراف از لحظه حرکت به‌سوی حمام علاوه‌بر توجه به امور ضروری استحمام، نگاه ویژه‌ای که مبتنی بر زیبادوستی و خودآرایی بود، نیز مدنظرشان قرار داشت.

بورديو در مفهوم تمایز اجتماعی خود بر این نظر است که طبقات پایین جامعه چون

نیازهای اساسی خود را برآورده نشده می‌بینند، طبعاً به دنبال سلائق یا انتخاب‌هایی هستند که نیازها و احتیاجات آن‌ها را برآورده کند، اما طبقات بالا چون این‌گونه نیازهایشان برطرف شده است، در پی به‌کارگیری سلیقه‌ای زیباپسندانه یا انتخابی هنردوستانه‌اند تا از این طریق تشخیص و تمایز خود را نیز به دیگران نشان دهند (بورديو، ۱۳۹۰: ۵۱۳). هم مرد و هم زن اعیانی معمولاً بقیچه‌هایی پر از وسایل لازم حمام در دست خدمتکاران همراه خود داشتند. به‌ویژه بقیچه‌های حمام زنان اشراف مملو از لباس، زینت‌آلات، وسایل و مواد گوناگون شست‌وشو، آرایشی و پیرایشی بود که در دستان کنیزکان خود به‌سوی حمام برده می‌شد (گویینو، ۱۳۸۳: ۳۱۲).

اشراف رفتن به حمام را با همراهی و ملازمت چندین نفر ملازم و خدمتکار شایسته شأن و منزلت اجتماعی خود به شمار می‌آوردند. نجمی می‌نویسد: «خانم‌ها نسبت به قدرت مالی، برای تفنن و تجمل و به‌رخ‌کشیدن اهمیت و شخصیت خود نسبت به سایرین مستخدمه و کُلفت‌های خود را هم به داخل حمام می‌آوردند» (نجمی، ۱۳۶۴: ۴۳۹).

یکی از اولین اقدامات آنان در زمینه خودآرایی در حمام، خضاب و رنگ‌کردن مو و ریش و همین‌طور صورت، دستان و پاها و انگشتان با ماده‌ای گیاهی به نام حنا بود که هم مردان و هم زنان به کار می‌بردند و اصولاً گاهی انگیزه اصلی از رفتن به حمام و استحمام را همین امر تشکیل می‌داد (شهری، ۱۳۶۷: ۱/۷۷). روزنامه خاطرات بصیرالملک مملو از رفتن این مقام قاجاری به حمام و رنگ‌کردن سر و ریش خود با حناست (بصیرالملک شیبانی، ۱۳۷۴: ۴۶۴ و ۴۵۷ و ۱۷۹).

در خصوص حناگذاری ریش ویلس می‌نویسد: «عموماً ایرانیان ریش خود را در حمام به‌واسطه رنگ و حنا ملون و خوش‌رنگ می‌نمایند» (ویلس، ۱۳۶۳: ۲۰۳). ویشارد<sup>۱</sup> نیز می‌نویسد: «در ایران هیچ زینتی به زیبایی و حرمت مو و ریش قرمز نیست. چه بسیار مردان سالمندی که صرفاً برای رنگ‌کردن موی سر و ریش به حمام می‌روند» (ویشارد، ۱۳۶۳: ۱۱۹). اگرچه استفاده از حنا برای رنگ‌کردن را معمولاً همه اقشار و طبقات انجام می‌دادند، واقعیت این بود که اهداف و دلایل مردمان طبقات فرادست و فرودست از به‌کاربردن این ماده گیاهی با یکدیگر متفاوت بود. معمولاً زنان با هدف خودآرایی و زیباتر کردن خود، حنا را به کار می‌بردند (تانکوانی، ۱۳۸۳: ۲۴۱ و ۲۳۷).

زنان اشراف و بزرگان برای رنگ‌کردن موها، سر خود را در اختیار خدمتکاران زن

مخصوص خود می گذاشتند که از قبل حنا را در ظروف نقره‌ای به صورت خیس کاملاً آماده کرده بودند. آنان ابتدا حنای خمیرشده را با چابکی هرچه تمام‌تر بر موهای خانم‌های خود می مالیدند و سپس باقیمانده آن را نیز بر دست‌ها و پاهای آن‌ها می گذاشتند که خیلی زود و پس از شست‌وشو به رنگی نارنجی مبدل شده و بر جمال و زیبایی آنان می‌افزود (کارلاسرنا، ۱۳۶۳: ۱۷۱).

این در حالی بود که طبقات پایین بیش از توجه به امر خودآرایی و زیبایی‌افزایی، نگاهی ضرورت‌مندانه و درمانی به حنا داشتند. باتوجه‌به این تصور شایع که حنا پوست بدن و به‌ویژه پوست دست‌وپا را تقویت و ضخیم می‌کند، بنابراین افراد طبقات پایین که اغلب از صنوف کارگران و کشاورزان زحمت‌کش بودند به هنگام استحمام و حتی فراتر از آن بر دستان و پاهای خود حنا می گذاشتند تا پوست آن‌ها کلفت و ضخیم شده و هنگام پیاده‌روی در جاده‌ها یا کار در مزارع و باغستان‌ها مقاومت و استحکام بیشتری داشته باشد. مثلاً مردان برزگر یا زنان خوشه‌چین در فصل درو دستان خود را حناگذاری می‌کردند تا دوام و مقاومت بیشتری داشته باشند. همچنین با این تصور که حنا پوست را تقویت می‌کند، این طبقات حنا را بر اعضای سرمازده، خراش‌ها، محل پیچ‌خوردگی و التهاب‌های مفصلی خود می‌گذارند (پولاک، ۱۳۶۸: ۲۴۶).

از سوی دیگر چون شایع بود که حنا باعث تقویت و استحکام ریشه مو می‌شود، در نتیجه مردان و زنان طبقات پایین نه با هدف خودآرایی و زیبادوستی بلکه بیشتر از منظر مصلحت و ضرورت و برای جلوگیری از ریخته‌شدن، موها و ریش‌های خود را حناگذاری می‌کردند. پولاک می‌نویسد: «هر ایرانی، هم موی سر و ریش و هم ابروهای خود را تا سنین کهولت رنگ می‌کند. گاه برای آنکه آن را زیباتر سازد و گاه به‌علت آنکه تصور می‌کند با این کار موی خود را تقویت کرده و بهتر حفظ می‌کند» (پولاک، ۱۳۶۸: ۲۴۵). تلقین‌ها و تصوره‌های دیگری مبنی بر اینکه حنا دید چشم را بهبود بخشیده یا قدرت جنسی را بالا می‌برد، نیز انگیزه استفاده از این ماده پر خاصیت را نزد همه طبقات به‌ویژه طبقات پایین که نگرش بیشتری بر مبنای ضرورت‌پسندی داشتند، افزایش می‌داد.

از دیگر مواد و وسایل خودآرایی و زیبایی‌افزایی که اغلب زنان اشراف و اعیان دوره قاجار در حمام‌ها به کار می‌بردند، ماده‌ای زیباکننده به نام سرمه بود که به‌وسیله میل عاج بر پلک چشم‌ها می‌مالیدند. معمولاً در درون حمام‌های شاهزادگان و اشراف همه‌گونه وسایل، مواد و اسباب آرایش برای زنان وجود داشته و آماده استفاده بود. فووریه<sup>۱</sup> که حمام امینه‌اقدس از

همسران نورچشمی ناصرالدین شاه را دیده است، می نویسد: «طاقچه‌هایی در آنجا است که در آن‌ها هر قسم اسباب آرایش گذاشته...» (فوریه، ۱۳۸۹: ۲۲۵). لیدی شیل<sup>۱</sup> نیز از آرایش مهدعلیا مادر ناصرالدین شاه همچون استفاده از حنا، سرمه، سسمه و سرخاب سخن می‌گوید (شیل، ۱۳۶۲: ۷۴).

زنان اگرچه سرمه را برای آرایش پلک پایین چشم استفاده می‌کردند، عده‌ای از آنان نیز معتقد بودند که سرمه سوای کاربردهای آرایشی و زیبایی‌افزایی، خواص دیگری همچون دورکردن چشم بد یا پلید و نیز خواص درمانی همچون افزایش و تقویت قدرت بینایی، درمان آب‌مروارید و ممانعت از شب‌کوری دارد (برجسته و دیگران، ۱۳۹۳: ۱۶۹).

### نتیجه‌گیری

در این پژوهش از نظریه تمایز بوردیو به بررسی نقش حمام و استحمام در انعکاس تمایزات میان اقشار و طبقات اجتماعی در ایران عصر قاجار استفاده شد. یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد که نگاه و هدف ایرانیان خواه اقشار و طبقات فرادست و خواه اقشار و طبقات فرودست به امر احداث حمام و عمل استحمام مبتنی بر رویکردهای دوگانه ضرورت‌مندانه و تشخیص‌گرایانه بوده است. در امر ساخت حمام که غالباً رجال و مقامات ثروتمند انجام می‌دادند، هم نگاه ضرورت‌مندانه داشتند، یعنی برای ضروریاتی همچون حفظ بهداشت و سلامتی، نظافت و پاکیزگی و عمل شرعی طهارت حمام می‌ساختند و هم کوشش می‌کردند تا تشخیص، منزلت و طبع هنردوستانه و زیباپسندانه خود را از طریق به‌کاربردن مصالح گران‌قیمت و مجلل و زیبایی همچون آجرها، کاشی‌ها و سنگ‌های مرمر در حمام‌ها یا به تصویر کشیدن طرح‌ها و نقاشی‌های زیبا و باشکوه در آن‌ها نمایان کنند.

از سوی دیگر در امر استحمام نیز رویکردهای دوگانه ضرورت‌مندی و تشخیص‌گرایی لحاظ می‌شد. اقشار و طبقات فرادست به عمل استحمام تنها برای ضرورت‌هایی همچون طهارت، پاکیزگی و بهداشت و سلامت تن نگاه نمی‌کردند بلکه آنان به حمام به‌عنوان مکانی برای تفریح، گذران وقت و سرگرمی و به استحمام به‌عنوان عملی برای خودآرایی و نشان‌دادن سلیقه هنردوستی و زیباپسندی خود می‌نگریستند و انواع و اقسام آرایش‌ها، پیرایش‌ها و زیبانمایی‌ها را در آنجا انجام می‌دادند. این در حالی بود که طبقات و اقشار فرودست به حمام و عمل استحمام نگاهی ضرورت‌پسندانه و صرفاً برای رفع نیاز داشتند. این اقشار که تنها در قیدوبند رفع نیازهای اساسی و اولیه خود بودند برای امر طهارت، حفظ بهداشت، پاکیزگی و

---

1. Lady Sheil



فصلنامه علمی تاریخ اسلام و ایران دانشگاه الزهراء (س)، سال ۳۳، شماره ۵۷، بهار ۱۴۰۲ / ۱۰۷

سلامتی بدن، رفع خستگی و زدودن عرق و چرک ناشی از کارهای سنگین روزانه، ناگزیر از رفتن به حمام و انجام استحمام بودند.

### منابع

- آلمانی، هانری. رنه. د (۱۳۷۸) *از خراسان تا بختیاری*، ترجمه غلامرضا سمیعی، جلد ۲، تهران: طاوس.
- استاک، ادوارد (۱۳۹۹) *شش ماه در ایران*، ترجمه شهلا طهماسبی، تهران: ققنوس.
- اعتمادالسلطنه، محمدحسن خان (۱۳۸۹) *روزنامه خاطرات اعتمادالسلطنه*، مقدمه و فهرس از ایرج افشار، چاپ ۷، تهران: امیرکبیر.
- امین لشکر، میرزا قهرمان (۱۳۷۸) *خاطرات امین لشکر*، به کوشش ایرج افشار و محمدرسول دریاگشت، تهران: اساطیر.
- اورسل، ارنست (۱۳۵۳) *سفرنامه اورسل*، ترجمه علی اصغر سعیدی، افست، بی جا: بی نا.
- برجسته، سحر و دیگران (۱۳۹۳) *سلامت؛ بهداشت و زیبایی در عصر قاجار*، ترجمه مسعود کثیری، تهران: امیرکبیر.
- بروگش، هینریش (۱۳۶۸) *سفری به دربار سلطان صاحبقران*، ترجمه مهندس کردبچه، چاپ ۲، تهران: اطلاعات.
- بزرگامید، ابوالحسن (۱۳۶۳) *از ماست که بر ماست (خاطرات و مشاهدات)*، چاپ ۲، تهران: دنیای کتاب.
- بصیرالملک شیبانی، میرزا طاهر (۱۳۷۴) *روزنامه خاطرات بصیرالملک*، به کوشش ایرج افشار و محمدرسول دریاگشت، تهران: دنیای کتاب.
- بن تان، آگوست (۱۳۵۴) *سفرنامه آگوست بن تان*، ترجمه منصوره نظام مافی اتحادیه، تهران: سپهر.
- بنجامین، س. ج. و (۱۳۶۳) *ایران و ایرانیان*، ترجمه محمدحسین کردبچه، تهران: جاویدان.
- بورديو، پی‌یر (۱۳۹۰) *تمایز (نقد اجتماعی قضاوت‌های ذوقی)*، ترجمه حسن چاوشیان، تهران: نشر ثالث.
- بون‌ویتز، پاتریس (۱۳۹۰) *درس‌هایی از جامعه‌شناسی پی‌یر بورديو*، ترجمه جهانگیر جهانگیری و حسن پورسفیر، تهران: آگه.
- پوربختیار، غفار (۱۴۰۱) «پوشاک و نقش آن در انعکاس تمایزات اجتماعی در ایران عصر قاجار براساس نظریه تمایز بورديو»، *جامعه‌شناسی تاریخی*، ۱۴(۱)، ۱۱۵-۱۴۴.
- \_\_\_\_\_ (۱۳۹۹) «قلیان و قلیان‌کشی و نقش آن در تمایزات اجتماعی ایران در عصر ناصرالدین شاه قاجار»، *تاریخ اسلام و ایران*، ۳۰(۴۷)، ۶۱-۸۵.
- پولاک، یاکوب ادوارد (۱۳۶۸) *سفرنامه پولاک*، ترجمه کیکاووس جهاننداری، چاپ ۲، تهران: خوارزمی.
- تانکوانی، زی. ام (۱۳۸۳) *نامه‌هایی درباره ایران و ترکیه آسیا*، ترجمه ع. ا. سعیدی، تهران: چشمه.

## ۱۰۸ / کارکرد حمام و استحمام در بازتاب تمایزات اجتماعی جامعه ایران ... / پوربختیار

- جنکینز، ریچارد (۱۳۸۵) پی‌یر بوردیو، ترجمه لیلا جوافشانی و حسن چاوشیان، تهران: نشر نی.
- دروویل، گاسپار (۱۳۸۷) *سفرنامه دروویل*، ترجمه جواد محیی، تهران: گوتنبرگ.
- دین پرست، ولی؛ کوهی، کمال؛ علیزاده اقدم، محمدباقر (۱۳۹۱) «مدیریت بدن در ایران دوره قاجار براساس گزارش‌های سیاحان اروپایی»، *تاریخ پزشکی*، ۴(۱۰)، ۱۳۱-۱۵۴.
- رایس، کلارا کولیور (۱۳۸۳) *زنان ایرانی و راه‌ورسم زندگی آنان*، ترجمه اسدالله آزاد، تهران: کتابدار.
- روح‌الامینی، محمود (۱۳۸۶) *حمام عمومی در جامعه و فرهنگ و ادب دیروز*، تهران: اطلاعات.
- روششوار، کنت ژولین. دو (۱۳۷۸) *خاطرات سفر ایران*، ترجمه مهراں توکلی، تهران: نشر نی.
- سایچ لندور، آرنولد هنری (۱۳۸۸) *ایران در آستانه مشروطیت*، ترجمه علی‌اکبر عبدالرشیدی، تهران: اطلاعات.
- سیاح محلاتی، محمدعلی (۱۳۵۶) *خاطرات حاج سیاح یا دوره خوف و وحشت*، به کوشش حمید سیاح، چاپ ۲، تهران: امیرکبیر.
- شعبانی، امامعلی؛ جباره، سعیده (۱۳۹۳) «حمام و کارکردهای اجتماعی آن در سده‌های میانه تاریخ ایران»، *تاریخ اجتماعی و اقتصادی*، ۳(۱)، ۸۹-۱۰۹.
- شعبانی، امامعلی؛ سجادی، فریبرز (۱۳۹۸) «حمام و کارکردهای سیاسی آن در سده‌های میانه تاریخ ایران»، *پژوهش‌های تاریخی ایران و اسلام*، ۲۵(۲)، ۸۹-۱۰۶.
- شهری، جعفر (۱۳۶۷) *تاریخ اجتماعی تهران در قرن سیزدهم؛ زندگی، کسب‌وکار، جلد ۱*، تهران: مؤسسه خدمات فرهنگی رسا.
- شیل، ماری (۱۳۶۲) *خاطرات لیدی شیل*، ترجمه حسین ابوترابیان، تهران: نشر نو.
- صادقی، سارا؛ شهبازی شیران، حبیب؛ فیضی، فرزاد (۱۳۹۸) «تحلیل ارائه و کاربرد حمام‌های دوره قاجار (مطالعه موردی سنندج: حمام خان و حمام عمارت ملا لطف‌الله شیخ‌الاسلام)»، *اثر*، ۴۰(۳)، ۱۶۴-۱۹۴.
- فلاندن، اوژن (۱۳۵۶) *سفرنامه اوژن فلاندن به ایران*، ترجمه حسین نورصادقی، چاپ ۳، تهران: کتاب‌فروشی اشراقی.
- فلور، ویلم (۱۳۸۶) *سلامت مردم در ایران قاجار*، ترجمه ایرج نبی‌پور، بوشهر: مرکز پژوهش‌های سلامت خلیج فارس.
- فوربز لیث، فرانسیس (۱۳۶۶) *کیش‌مات: خاطرات مباشر انگلیسی سردار اکرم*، ترجمه حسین ابوترابیان، تهران: اطلاعات.
- فوروکاوا، نوبیوشی (۱۳۸۴) *سفرنامه فوروکاوا*، ترجمه هاشم رجب‌زاده و کینیجی ئه‌اورا، تهران: انجمن آثار و مفاخر فرهنگی.
- فووریه، ژوانس (۱۳۸۹) *سه سال در دربار ایران*، ترجمه عباس اقبال آشتیانی، چاپ ۲، تهران: دنیای کتاب.

فصلنامه علمی تاریخ اسلام و ایران دانشگاه الزهراء(س)، سال ۳۳، شماره ۵۷، بهار ۱۴۰۲ / ۱۰۹

- کارلاسرنا، پارمه (۱۳۶۳) مردم و دیدنی‌های ایران، ترجمه غلامرضا سمیعی، تهران: نشر نو.
- کوتز بوئه، موریس فون دو (۱۳۶۵) مسافرت به ایران، ترجمه محمود هدایت، تهران: جاویدان.
- گرنفل، مایکل (۱۳۸۹) مفاهیم کلیبای پیر بوردیو، ترجمه محمدمهدی لیبی، تهران: افکار.
- گوینو، ژوزف آرتور دو (۱۳۸۳) سه سال در آسیا: سفرنامه کنت دو گوینو، ترجمه عبدالرضا هوشنگ مهدوی، تهران: قطره.
- محبوب، کیانا؛ نژاد ابراهیمی، احد (۱۳۹۹) «تیین عملکرد در حمام‌های خصوصی دوره قاجار با مطالعه حمام‌خانه تاریخی صدقیانی»، معماری‌شناسی، ۳(۱۷)، ۱۷-۲۷.
- مستوفی، عبدالله (۱۳۸۴) زندگانی من یا تاریخ اجتماعی و اداری دوره قاجاریه، جلد ۱، چاپ ۵، تهران: زوار.
- معیرالممالک، دوستعلی خان (۱۳۹۰) یادداشت‌هایی از زندگانی خصوصی ناصرالدین‌شاه، تهران: نشر تاریخ ایران.
- ملایی توانی، علیرضا؛ غلام‌پور، میثم (۱۳۹۳) «حمام و استحمام در فرهنگ ایرانیان عصر قاجاریه (از آغاز تا مشروطه)»، مطالعات تاریخ فرهنگی، ۶(۲۱)، ۱۲۱-۱۴۸.
- موریه، جیمز (۱۳۸۶) سفرنامه جیمز موریه (سفر دوم)، ترجمه ابوالقاسم سرّی، تهران: توس.
- مهبجور، فیروز (۱۳۸۲) «حمام در شهرهای ایرانی»، کتاب ماه هنر، (۵۸ و ۵۷)، ۶۰-۶۶.
- نجمی، ناصر (۱۳۶۴) طهران عهد ناصری، تهران: عطار.
- نظام‌السلطنه مافی، حسین‌قلی خان (۱۳۸۶) خاطرات و اسناد حسین‌قلی خان نظام‌السلطنه مافی، به‌کوشش معصومه مافی و منصوره اتحادیه (نظام‌مافی)، جلد ۱، تهران: نشر تاریخ ایران.
- ویشارد، جان (۱۳۶۳) بیست سال در ایران، ترجمه علی پیرنیا، تهران: نوین.
- ویلز (۱۳۶۸) ایران در یک قرن پیش، ترجمه غلامحسین فراگوزلو، تهران: اقبال.
- ویلس، چارلز جیمز (۱۳۶۳) تاریخ اجتماعی ایران در عهد قاجاریه، ترجمه سیدعبدالله، تهران: زرین.
- هولستر، ارنست (۱۳۵۵) ایران در یک‌صد و سیزده سال پیش، تهران: وزارت فرهنگ و هنر.

### List of sources with English handwriting

- Amīn Laškar, Mīrzā Qahramān (1378 Š.), Rūznāme-ye kāterāt-e Amīn Laškar, edited by Iraj Afshar, Mohammad Rasul Darya-gasht, Tehran: Asāfir. [in persian]
- Barjaste et al, Saḥar (1393), health, hygiene and beauty Dar Ašre Qājār, Translated by Mas'ūd Kaḫrī, Tehrān: Amīrkabīr. [in persian]
- Basiralmolok šaibāni, Mīrzā Tāher (1374), Rūznāme-ye kāterāt-e Basiralmolok, edited by Iraj Afshar, Mohammad Rasul Darya-gasht, Tehran: Doniyāye Ketāb. [in persian]
- Benjamin, S.A.J. W. (2015), Iran and Iranians in the era of Nāsser ul-Dīn Šāh, translated by Mohammad Hossein Kordbacheh, Tehran: Iṭelā 'āt.
- Bonnewits, Patrice (2002), premieres lecons sur la sociologie de Pierre Bourdieu, belin education.
- Bontems, Auguste (1975), voyage en Turqiu et en Perse 1807, translated by Mansoreh Etehadihe, Tehran: Sepeher
- Bourdieu, Pierre (1984), Distinction: a social critique of the judgment of taste, Harvard University Press.
- Bozorg Omid, Abolhasan (1363), Az Māst keh bar Māst, Tehran: Doniyāye Ketāb. [in persian]
- Bruges, Heinrich Karl (2010), A Journey to the Court of Sultan Sahebqaran, translated by Mohammad Hossein Kordbacheh, third edition, Tehran: Iṭelā 'āt.
- D'Allemagne, Henry-René (1911), Du Khorassan au pays des Backhtiaris, trois mois de voyage en Perse, Translated by Gholamreza Sami'i, Vol. 2, Tehran: Tāvūs.
- Dinparast, Vali; Kooḫi, Kamal; Alizadeh Aghdam, Mohammad Bagher (2012), Management Body in Iran of the Qajar Period According to European Tourists, Medical History Journal, V:4, N:10, pp:130-154.
- Drouville, Gaspard (2016), Voyage en fait en 1812 et 1813, Translated by Javad Mohey, Tehran: Gootenberg.
- E'temād al-Saltāna, Mohammad Ḥasan kān (1389 Š.), Rūznāme-ye kāterāt-e E'temād al-Saltāna, edited by Iraj Afshar, Tehran: Amīr Kabīr. [in persian]
- Feuvrier, Joannes (1906), Trois ans a la cour de perse (Three years in the court of Iran), Translated by Abbas Eqbal Ashtiani, 2th edition, Tehran: Doniyāye Ketāb.
- Flandin, Eugène (1851) Voyage en Perse, Itinéraire, Paris.
- Forbes Leith, Francis (1973), Checkmate: Fighting Tradition in Central Persia, New York: Arno Press Inc.
- Furukawa, Nobuyoshi (1891), Perushya kikō (Persian journal), Tokyo.
- Gobineau, Jorf Arthur (2008), Three years in Iran, translated by Zabihullah Mansouri, second edition, Tehran: Negārestān-e Ketāb.
- Grenfell, Michael James (2014), Pierre Bourdieu, Routledge.
- Holtzer, Ernst, Persien vor 113 [hundertdreizehn] Jahren. Text und Bilder. 1. Teil: Esfahan, Tehran: Publikation des Kultur -und Kunstministeriums.
- Jenkins, Richard (2002), Pierre Bourdieu, London; Routledge.
- Kotzebue, Moritz von (2018), Narrative of a Journey into Persia, in the Suite of the Imperial Russian Embassy in the Year 1817, Hard Press.
- Lander, Arnold Henry Savage, Across Coveted lands; or a journey from flushing (Holland) to calcutta, overland, translated by Ali Akbar Abdur Rashidi, Tehran: Eṭelā 'āt.
- Mahjoub, Kiana; Nejad Ebrahimi, Ahad (2019), explanation of the function in private bathrooms of the Qajar period by studying the bathroom of the historic Sedqiani house, Architecture, third year, number 17 (winter), pp: 17-27.
- Mehjoor, Firouz (2008), Baths in Iranian cities, Book of the Month of Art, No. 58-57, Khordad and Tir, pp. 66-66.
- Mo'ayer ul-Mamālīk, Dūst'alī kān (1390 Š.), Rūjāl-e 'Ašr-e Nāšerī, Tehran: Našr-e Tārīk-e Irān. [In Persian]
- Molaei tavani, Alireza; Gholampour, Meysam (2014), Bathroom and Bathing in the Culture of Iranian at Qajar Period (from the beginning of the Qajar period until Constitutional

- Revolution), *Cultural History Studies*, 6(21): 121-148.
- Morier, James Justinian, *A Journey Through Persia, Armenia, and Asia Minor, to Constantinople, in the Years 1808 and 1809*,
- Mostūfī, ‘Abdollah (1384 Š.), *Zendegānī-ye Man ya Tārīk Ejtemā’ī va Edārī-ye Dūreye Qājār*, Vol, 1, Tehran: Zavvār. [in persian]
- Najmi, Naser (1364), Tehran ‘Ahd-e Nāšerī, Tehran: ‘Attār.
- Nezām ul-Saltāna Māfi, Hosseīn Qolī Kān (1386), *Qāterāt va Asnād-e Hosseīn Qolī Kān Nezām Al-Saltāna Māfi*, edited by Masumeh Mafi va Mansureh Etehadiye, Tehran: Našre Tarīk-e Iran. [in persian]
- Polak, Jakob Eduard (2018), *Persien, Das Land Und Seine Bewohner; Ethnographische Schilderungen*, *Forgotten Books*, Translated by Keīkāvūs jāhāndārī, 2th edition, Tehrān: Kārazmī.
- Pourbakhtiar, Ghaffar(2020), *The Hookah, Smoking Hookah, and Its Role on Social Distinctions of the Nāsser Al-Din Shah Qājār Era*, *Quarterly Journal of History of Islam and Iran*, Vol.30, No.47,pp:61-85.
- Pourbakhtiar, Ghaffar(2022),*The Clothing and its role in reflecting the social differences of the Qajar era based on Bourdieu’s theory of distinction*, *Historical Sociology*, Vol.14, No.1, pp:115-145.
- Rice, Colliver. C (1383), *Persian woman and their ways; The experiences and ...*, Translated by Assadella Azad, Tehran: Ketābdār.
- Rochechouart, Julien de (1378), *Souvenirs d’un voyage en Perse*, Translated by Mehrān Tavakoli, Tehrān: Nashre Nay.
- Rooh-al-Amini, Mahmoud (2008), *public bath in yesterday's society, culture and literature*, Tehran: Information.
- Sadeghi S, Shahbazi Shiran H, Feizi F. *Analysis of the Presentation and Use of Qajar Bathhouses (Case study of Sanandaj: Hammam-e Khan Bathhouse and the Bathhouse of the Mansion Mullah Lutf Allah Shaykh al-Islam)*. *Athar* 2019; 40 (3) :164-194.
- Sayah Mahalati, Mohammad Ali (1356), *Haj Sayah's memoirs, or the period of fear and terror, by the efforts of Hamid Sayah*, 2nd edition, Tehran: Amīr Kabīr.
- Serena, Carla (1883), *Hommes et choses en perse*, Paris: G. Charpentier et cie, Translated by Gōlāmrezā Samī’ī, Tehran: Našre Nū.
- Shabani ,Emamali; Jabbareh, Saideh(2014), *Bathroom and its Social Functions in the History of Iranian middle Ages*,*Socio Economic History Studies Journal*,V.3, N.1,PP:89-109.
- Shabani, Imam Ali; Sajjadi, Fariborz (2018), *Bath room and its political functions in the Middle Ages of Iranian history*, *Historical Researches of Iran and Islam*, No. 25 (Autumn and Winter), pp: 89-106.
- Shahri, Jafar (1367), *social history of Tehran in the 13th century; Life, Business*, Volume 1, Tehran: Rasa Cultural Services Institute.
- Sheil, Lady[Mary] (1856), *Glimpses of Life and Manners in Persia*, Londen
- Stack, Edward (2015), *Six Months in Persia*, Theran: Ghoghnoos.
- Tancoigne,J.M(2012), *Lettres sur la Perse et la Turquie d’Asia*, Translated by Ali Asghar Saeedi, Tehran: Cheshmeh.
- Ursel, Ernest (2003), *Travelogue of the Caucasus and Iran*, translated by Ali Asghar Saeedi, Tehran: Institute for Humanities and Cultural Studies.
- Wills, Charles James (2016), *In the Land of the Lion and Sun; Or, Modern Persia: Being Experiences of Life in Persia from 1866 to 1881*, Translated by Gholam Hossein Qaraguzlu, Tehran: Eqbāl.
- Wills, Charles James, *Persia as it is: Being sketches of Modern Persia life and character*, Translated by Sayyed Abdollā, Tehran: zarrin.
- Wishard, John G (), *Twenty Years in Persia*, Translated by Ali Pirniā, Tehran: Novin.



**The function of bath and bathing in the reflection of the social distinctions of the Iranian society in the Qajar era<sup>1</sup>**

Ghaffar Pournakhtiar<sup>2</sup>

Received: 2023/1/19  
Accepted: 2023/4/20

**Abstract**

Iranians have paid special attention to bath and bathing for a long time. Although they paid a lot of attention to bathing and observing hygiene and cleanliness during the Qajar period, as in previous periods, this study aims to find out the social distinctions that existed among the upper and lower classes of Iranian society in the Qajar era regarding the construction of a bath and the matter of bathing. In this research, by using historical sources and descriptive-analytical method, an attempt was made to answer these questions by applying Bourdieu's theory of social differentiation: What was the view of the upper classes of Iranian society during the Qajar era on the construction of baths and the purpose of bathing; Did they have objectives beyond maintaining health and cleanliness of the body? How did the lower classes of society perceive and engage with the concept of bath and bathing? The premise of the research is based on the fact that although the purpose of the lower classes of society to go to the bathroom and take a bath was based on necessities such as cleaning the body in order to perform ablution and maintain cleanliness, hygiene and health, the purpose of the noble classes was to build a bathroom and take a bath. The purpose of bathing, in addition to meeting the needs such as maintaining cleanliness, hygiene and health of the body, was that through the use of decorations in the construction of the bathroom or through entertainment, beautification and self-decoration during bathing, one's distinctive and distinctive features were also shown to reflect their distinctive and discriminating aspects to other strata and classes.

**Keywords:** Bath, Bathing, Differentiation, Self-grooming, Cleanliness, Qajar.

---

1. DOI: 10.22051/hii.2023.42558.2742

2. Assistant Professor, Department of History, Shoushtar branch, Islamic Azad University, Shoushtar, Iran. [gh.pornakhtiar@iau-shoushtar.ac.ir](mailto:gh.pornakhtiar@iau-shoushtar.ac.ir)  
Print ISSN: 2008-885X/Online ISSN:2538-3493